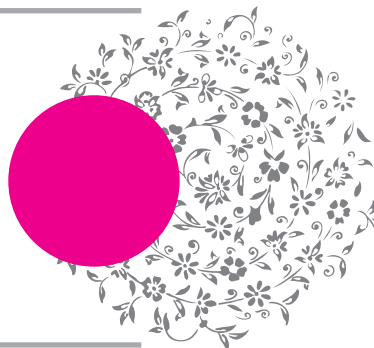


الگوی گذار

در عصر غیبت



در بیانیه گام دوم

مقدمه

بیانیه گام دوم که مانیفست انقلاب اسلامی در دوره جدید است، دربرگیرنده مباحث و مفاهیم زیادی است که تأمل در آن‌ها اهمیت استراتژیک دارد. شاید مهم‌ترین مبحث این بیانیه تأکید بر ورود انقلاب اسلامی به مرحله تمدن‌سازی است که تحقق آن می‌تواند ما را به ولایت عظمای امام عصر (عج) نزدیک سازد. این نشان می‌دهد که انقلاب اسلامی غایتی فراتر از تأسیس دولت دارد و تا تمدنی برافراشته نکند، نمی‌تواند عصر غیبت را به عصر ظهور نزدیک سازد. این نگرش که بداعتی تازه در این بیانیه آفریده است نقدی بر اندیشه بسیاری است که رسالت روحانیت و انقلاب اسلامی را تأسیس دولت و در نهایت بنای جامعه دینی می‌دانند. این در حالی است که این بیانیه انتظارات بیشتری از روحانیت برای آنچه تاکنون انجام داده است می‌آفریند.



تمدن سازی شده است.»^۱

دوم، ایجاد تمدن اسلامی تنها مسیر آمادگی ظهور حضرت حجت (علیه السلام) و وصل به ولایت عظمای ایشان است.

«دهه‌های آینده دهه‌های شماس است و شما باید کارآزموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هر چه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظام است، نزدیک کنید.»^۲

مروری بر این دو فراز از بیانیه، نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری ایده‌ای فراتر از دولت دینی دارد و اساساً دولت را ابزاری برای ساختن این تمدن می‌داند. این همان نقطه فارق میان ایشان و نگاه برخی دیگر از عالمان دینی در قناعت به اقامه دولت در این دوره است. از این زاویه نیز می‌توان فهمید الگوهایی که حتی به ایده دولت دینی نمی‌رسند و حتی اقامه آن را عاملی در تأخیر ظهور می‌دانند از نظر ایشان، بی اساس بلکه موجب تطویل هجران ما در غیاب امام زمان (علیه السلام) می‌شوند. اما آنچه در ورای این نوع نگرش‌ها به رسالت ما در عصر غیبت، از نظر آیه الله خامنه‌ای، اهمیتی مضاعف دارد تمدن برافراشته غرب است که همواره می‌کوشد مقاومت مؤمنان را شکسته

الگوهایی که حتی به ایده دولت دینی نمی‌رسند و حتی اقامه آن را عاملی در تأخیر ظهور می‌دانند از نظر ایشان، بی اساس بلکه موجب تطویل هجران ما در غیاب امام زمان (علیه السلام) می‌شوند. اما آنچه در ورای این نوع نگرش‌ها به رسالت ما در عصر غیبت، از نظر آیه الله خامنه‌ای، اهمیتی مضاعف دارد تمدن برافراشته غرب است که همواره می‌کوشد مقاومت مؤمنان را شکسته و آنان را در درون خود منحل کند.

زین پس روحانیت نه رهبر یک انقلاب و نه متولی یک دولت بلکه طراح و بنیان گذار تمدنی است که قرن هاست به فراموشی رفته است. در واقع، اگر طراح این الگو ولی فقیه است بر دیگر عالمان دینی فرض است که بنیان‌های نظری و دینی آن را در مقیاس با آنچه در تمدن غرب می‌گذرد تبیین و ولی فقیه خود را یاری دهند و گرنه او به تنهایی قادر به قرابت عصر غیبت به ولایت عظمای حضرت حجت (علیه السلام) نیست و در میانه راه خسته و

تنها می‌ماند. این که این بیانیه در پی چه ایده‌ای است؟ نیازمند بازخوانی مکرری در درون حوزه‌های علمیه است تا روحانیت بتواند آن را برای مردم تبیین و آنان را در این مسیر پرتلاطم و سخت تمدن سازی، همراه ولی فقیه وفادار نگه دارد. از این رو، این بیانیه دو مطلب مهم دارد:

● **نخست، انقلاب اسلامی وارد مرحله تمدن سازی شده است؛**

«تنها انقلابی است که یک چله پُرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیر قابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده و اینک وارد دوّمین مرحله خودسازی و جامعه پردازی و

و آنان را در درون خود منحل کند. این که چگونه می‌توان تمدنی در برابر این تمدن ساخت و از آن حراست نمود؟ پرسش مهمی است که آیه‌الله خامنه‌ای آن را در ذیل مفهوم جاهلیت مدرن توضیح می‌دهد. از این رو، الگوی آیه‌الله خامنه‌ای در دوره غیبت دورکن ایجابی و سلبی دارد؛ رکن ایجابی آن بنای تمدنی نوین است که از نظر ایشان تنها راه تشیع جهت پیوند عصر غیبت به دوره ظهور است. رکن سلبی آن نیز بر ملامت ساختن هویت اغواکننده و شیطانی تمدن جدید و ارتقا مقاومت مؤمنان در برابر بسط هژمونی آن است که در ادبیات ایشان ذیل به "جاهلیت مدرن" قابل ایضاح است. در واقع، ایشان قصد دارد با طرح جاهلیت جدید، مؤمنان را به ذات پنهان غرب آشنا و ضریب مقاومت آنان برای

این تمدن عبور کند. به همین دلیل باید در غیبت آن ولایت، راهی جست تا مقدمات این خروج صورت گیرد و جامعه منتظر در تمدن مغرب زمین منحل نگردد.

● گام اول: تمدن اسلامی؛ الگوی استمرار فعالانه انقلاب اسلامی تا ظهور

از منظر تمدنی به انقلاب اسلامی نگریستن، تأکید بر این معناست که انقلاب اسلامی به پایان نرسیده و نباید آن را به تغییر یک نظام سیاسی به نظامی دیگر تقلیل داد. انقلاب اسلامی غایاتی دارد و همانند کلافی در حال بازشدن است و تا به ولایت عظمای آن حضرت از طریق بنای این تمدن نرسد به غایت خود نمی‌رسد. پیش از این نیز امام خمینی علیه السلام فرموده بود؛

«انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب

بزرگ جهان اسلام به پرچم‌داری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.»^۳

به همین دلیل امام خمینی امیدوار بود " که این نهضت و این انقلاب منتهی بشود به ظهور امام عصر علیه السلام ". با این همه ایشان این امید را از مسیر کلیت این انقلاب جست‌وجو می‌کرد و در نهایت دولت برآمده از آن را منتهی به دولت

اما آنچه در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای به این حرکت انرژی بیشتری می‌داد بسنده نکردن به دولت و مهندسی آن به سوی بنای یک تمدن نوین اسلامی است. در واقع، پیوستگی روح انقلاب اسلامی به ولایت عظمای امام زمان علیه السلام طی مراحل رخ می‌دهد که وقوع انقلاب و نیز تاسیس دولت مرحله‌ای از آن به شمار می‌آیند و تا به غایت خود، یعنی تمدن اسلامی منتهی نشوند حرکتی ابتز به شمار می‌آیند.

ساختن تمدن جدید اسلامی را بالا برد. مقاومتی که اگر شکل نگیرد و یا تداوم نیابد تمدن کنونی غرب همه را در خود فرو می‌برد و جامعه دینی از هویت خود تهی می‌کند. بی‌تردید تمدن کنونی غرب هر مقاومتی را درهم می‌کوبد و تمام راه‌های گذر از خود را مسدود می‌سازد. این در حالی است که سنت الهی بر آن است ولایت عظمای امام علیه السلام به هنگام ظهور خارج از مدار این تمدن شکل گیرد و از مدار

بلکه یکی از ایده‌های مهم پیشین اوست. شاید سال ۱۳۷۹ پربسامدترین سالی است از این واژه استفاده نموده و من مکرر آن را به کار برده و در نهایت آن را در بیانیه گام دوم به راهبرد اصلی انقلاب اسلامی تبدیل نموده است. سرآغاز این اندیشه، سخنان ایشان خطاب به طلاب و فضلاء حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه باشد.

«مطلب اول این است که خط کلی نظام اسلامی چیست؟ اگر بخواهیم پاسخ به این سؤال را در یک جمله ادا کنیم خواهیم گفت خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی است. این یک پاسخ کلی و قابل توضیح و تشریح است. سرنوشت حتمی عبارت است از این تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند نه به معنای این که لزوماً نظام سیاسی اسلامی در نقاط دیگر جهان هم قبل از ظهور گسترش پیدا کند، نه معنایش این نیست؛ بلکه تمدن بر اساس یک فکر جدید یک نگاه جدید به مسائل بشر و مسایل انسانیت و علاج دردهای انسانیت است؛ یک زبان نویی است که دل‌های نسل‌های نوی انسان و قشرهای محروم جوامع گوناگون، آن زبان را می‌فهمند و درک می‌کنند. به معنای رساندن یک پیام است به دل‌ها تا به تدریج در میان جوامع مختلف گسترش و رشد پیدا کند.»^۵

نیازی به توضیح ندارد که بیان این راهبرد در مدرسه فیضیه آن هم خطاب به روحانیون

امام عصر علیه السلام می‌دانست و از خلق ایده‌ای فراتر از دولت، یعنی تمدن اسلامی سخنی به میان نیاورد. گرچه ایشان بارها از واژه تمدن استفاده می‌نمود، اما از آن به عنوان پروژه تکمیلی انقلاب اسلامی یاد نمی‌کرد. برای ایشان، تمدن اسلامی تنها یک فرهنگ و یک حادثه پرافتخار در گذشته و یا یک آرزو در آینده بود و امید داشت مردم ایران بر اساس "پایه‌های ملی و مذهبی خویش به سوی ترقی و تمدن گام بردارد."^۴ از این رو، امام خمینی بر خلاف رکود و خاموشی برخی از منتظران، معتقد به جهاد و شوریدن علیه سکوت و بی‌حرکی عالمان دینی بود و با خلق دولتی دینی که در اهداف و غایات دولت کریمه علیه السلام اشتراک بسیار داشت، انقلاب اسلامی را حرکتی به سوی ظهور می‌دانست. اما آنچه در اندیشه آیه‌الله خامنه‌ای به این حرکت انرژی بیشتری می‌داد بسنده نکردن به دولت و مهندسی آن به سوی بنای یک تمدن نوین اسلامی است. در واقع، پیوستگی روح انقلاب اسلامی به ولایت عظمای امام زمان علیه السلام طی مراحل رخ می‌دهد که وقوع انقلاب و نیز تأسیس دولت مراحلی از آن به شمار می‌آیند و تا به غایت خود، یعنی تمدن اسلامی منتهی نشوند حرکتی ابر به شمار می‌آیند.

● گام دوم: وجوه سلبی و ایجابی تمدن نوین اسلامی

سخنان مقام معظم رهبری درباره تمدن نوین اسلامی نه سخنی تازه در بیانیه دوم

حکایت از آن دارد که از نظر ایشان بنیان‌های چنین تمدنی باید در حوزه‌های علوم دینی پی‌ریزی شود و روحانیت سهم پایه‌ای در خلق این تمدن دارد. به همین دلیل، روحانیت اگر تا دیروز از نظریه‌ای که منتهی به خلق نهضت اسلامی شد حمایت ورزید و به یاری امام خمینی در تأسیس دولت همت گماشت، امروزه رسالت سنگین‌تر و ثنوریک‌تری دارد و باید در طراحی بنیان‌های نظری و معرفتی این تمدن مشارکت جدی‌تری بنماید. بی‌تردید، دستیابی به این غایت نیازمند دو اقدام سلبی و ایجابی است که مقام معظم رهبری خطوط کلی آن را در اختیار همگان به‌ویژه روحانیت آگاه قرار داده است:

الف) الگوی مقاومت اسلامی و افشای ماهیت غرب

از نظر مقام معظم رهبری در صورتی می‌توان تمدنی جدید تأسیس کرد که مؤمنان دوره گذار در تمدن مغرب زمین منحل نشوند و به درستی باطل زمان خویش را بشناسند. در واقع، انسان‌های عصر غیبت تنها زمانی می‌توانند به ریسمان ولایت مهدوی چنگ زنند و به تمام معنا در سلک منتظران موعود قرار گیرند که باطل زمان خویش را بشناسند و با تمام وجود از آن بی‌زاری جویند. از این رو، نخستین گام بنای تمدن جدید، مقاومت در برابر آن از طریق افشای آن است تا مؤمنان فرصتی برای ساختن تمدن خویش بیابند. با این همه این امر حاصل نمی‌شود مگر این‌که مؤمنان دریابند که اکنون در

وضعیت جاهلیت مدرن قرار دارند که بسیار خطرناک‌تر از جاهلیت اولی است؛ اگر مردم عصر پیامبر ﷺ بت‌های چوبی می‌پرستیدند، اما امروزه بت‌های بشری می‌پرستند. همان بت‌هایی که به مقابله با امام ﷺ می‌پردازند و با کتاب خداوند و با تفسیر به رأی آیات، سعی در محکوم کردن امام و باطل نشان دادن ایشان دارند. ولی امام مهدی ﷺ جاهلیتی را که پیش از ظهور است نابود می‌کنند، دقیقاً همانند پیامبر گرامی اسلام که جاهلیت را نابود کرد. از این رو، «دستگاه‌های سیاسی غرب، مروج همان جاهلیتی هستند که هدف از بعثت پیامبر ﷺ زدودن آن‌ها بود، بی‌عدالتی، تبعیض، نادیده‌گرفتن کرامت انسانی، عمده کردن مسائل جنسی و تبلیغ گسترده تبرج زنانه، همه از مظاهر تمدن فاسد غربی است که در واقع بازگشت به همان جاهلیت است، اما با شیوه‌ها و ابزار مدرن.»^۶ ناگفته نماند برخی از گروه‌های سلفی نیز متأثر از سید قطب تمدن کنونی غرب را جاهلیت جدید می‌دانند اما آنان در پی شورش مسلحانه علیه نمادهای آن و بازگشت به وضعیت در گذشته‌اند. این در حالی است که کاربست این واژه در بیانات مقام معظم رهبری نه به معنای جنگ با تمدن جدید بلکه به معنای ایضاح باطن آن از یک سو و نیز تشویق مؤمنان به ساختن تمدن اسلامی از سوی دیگر است. به همین دلیل ایشان در توضیح مختصات این تمدن به ویژگی‌هایی اشاره می‌کنند که اهم آن‌ها عبارتند از:

می گفتند با دین نمی شود جلورفت؛ شما این را باطل کردید. معلوم شد دین نه فقط مانع پیشرفت نیست، بلکه تشدیدکننده نیرو و تقویت کننده حرکت به سمت جلوسست.^۸

۴. هوشیاری در برابر تهاجم فرهنگی از سوی غرب؛ «این مغالطه بزرگی است که کسی بگوید علم غربی ها خوب است، پس فرهنگ و سیستم زندگی و اخلاقشان هم خوب است؛ نه، این ها با هم ملازمه ای ندارد. علم شان خوب است؛ اما این علم، پروریده و ساخته این فرهنگ نیست؛ حتی این فرهنگ به این علم ضرر هم می زند. علم، مولدها و عناصر به وجودآورنده خاص خود را دارد؛ باید آن ها را پیدا کرد. فرهنگ بی بندوباری، بی دینی، خودپرستی، گرایش به پول و ماده و اصیل دانستن مادگرایی و ارزش های مادی، فرهنگ های غلطی است که امروز غرب دچار این هاست.»^۹

ب) بنای تمدن اسلامی به عنوان آخرین برون رفت

تجمیع این عناصر در تمدن کنونی غرب نشان می دهد که این تمدن نه بر مدار ولایت خداوند، بلکه بر مدار تمنیات انسان و استضعاف دیگران بنا شده و بی تردید امام زمان علیه السلام از آن عبور خواهد کرد. اکنون سؤالی که مقام معظم رهبری مطرح می فرمایند آن است که «چه نسخه ای باید در قبال آن

۱. غلط بودن الگوی پیشرفت غربی: «امروز در چشم بسیاری از نخبگان و کارگزاران ما، مدل پیشرفت صرفاً مدل های غربی است؛ توسعه و پیشرفت را باید از روی مدل هایی که غربی ها برای ما درست کرده اند، دنبال و تعقیب کنیم. امروز در چشم کارگزاران ما این است و این چیز خطرناکی است؛ چیز غلطی است؛ هم غلط است، خطاست، هم خطرناک است.»

۲. ابعاد خطرناک استفاده از علم جدید؛ «ما نمی خواهیم غربی بشویم؛ ما می خواهیم عالم بشویم. علم امروز دنیایی که عالم محسوب می شود، علم خطرناکی برای بشر است. علم را در خدمت جنگ، در خدمت خشونت، در خدمت فحشا و سکس، در خدمت موادمخدر، در خدمت تجاوز به ملت ها، در خدمت استعمار، در خدمت خون ریزی و جنگ قرار داده اند. چنین علمی را ما نمی خواهیم؛ ما این جور عالم شدن را نمی خواهیم. ما می خواهیم علم در خدمت انسانیت باشد،

در خدمت عدالت باشد، در خدمت صلح و امنیت باشد. ما این جور علمی می خواهیم. اسلام به ما این علم را توصیه می کند.»^۷

۳. ترفند غرب در دین زدایی؛ «امروز شما ملت ایران بافته نظری غرب را زیر سؤال برده اید؛ غربی ها پایه کار خودشان را بر دین زدایی قرار داده بودند و

روحانیت اگر تا دیروز از نظریه ای که منتهی به خلق نهضت اسلامی شد حمایت ورزید و به یاری امام خمینی در تأسیس دولت همت گماشت، امروزه رسالت سنگین تر و تئوریک تری دارد و باید در طراحی بنیان های نظری و معرفتی این تمدن مشارکت جدی تری بنماید.

پیچید؟ و در مقابل آن چه باید کرد؟ بی تردید از نظر ایشان، نقطه مقابل آن صرف اختراعات و اکتشافات نیست تا روابط حاکم بر تکنولوژی شناخته نشود و روابط انسانی بر جهان حاکم نشود جاهلیت هم چنان ادامه دارد:

« اگر بشر به دانش‌های مختلفی دست پیدا کند، اما روابط صحیح انسانی را نشناسد، دچار جهالت است.

اگر بشر به اوج علم هم برسد، اما از لحاظ حقوق و احکام، قائل به دو گونه انسان و دو طبقه بشر باشد، این بشر جاهل است. اگر بشریت به پیشرفت‌های مادی هم برسد، اما بنای زندگی، بنای ظالمانه‌ای باشد؛ زورگویی بر زندگی مردم حاکم باشد؛ قدرت‌های قوی، ضعفا را پایمال کنند؛ در دنیا نور معرفت و انسانیت نباشد؛ در دنیا فریب رایج باشد، باز هم همان جاهلیت است؛ این هاست آن بلاهایی که بشر را دچار بدبختی و تیره‌روزی می‌کند.»^{۱۰}

در ادامه ایشان می‌پرسد: « شما سؤال می‌کنید که ما از حالا به بعد چه خواهیم کرد؟ من به شما می‌گویم که ما در اول راهیم... ما توانستیم حصار را بشکنیم و مانع را از سر راه حرکت به سمت دولت اسلامی و جامعه اسلامی و دنیای اسلامی برداریم... اما آنچه را که در اثنای این جاهلیت مظلّم طی کردیم،

دستگاه‌های سیاسی غرب، مروج همان جاهلیتی هستند که هدف از بعثت پیامبر ﷺ زدودن آن‌ها بود، بی‌عدالتی، تبعیض، نادیده‌گرفتن کرامت انسانی، عمده‌کردن مسائل جنسی و تبلیغ گسترده تبرّج زنانه، همه از مظاهر تمدن فاسد غربی است که در واقع بازگشت به همان جاهلیت است، اما بشیوه‌ها و ابزار مدرن.

نسبت به آنچه که بعداً باید طی کنیم، مطمئناً خیلی کم است.»^{۱۱} بی تردید، برای جبران این کمبود نباید به فکر این باشیم که گلیم خودمان را از آب بکشیم بلکه باید در شأن ملت ایران یک تمدن بیافرینیم.^{۱۲} باید این قضیه را جدی گرفت. اگر چنین حادثه‌ای رخ دهد، دیگر واقعیتی برای استکبار جهانی باقی نخواهد ماند.^{۱۳} برای رسیدن به حرکت

عظیم همه ملت آماده شوند و روحانیت به عنوان طلایه‌دار تمدن اسلامی باید نقشه سنگین تری ایفا نماید.

این که این تمدن چگونه ساخته می‌شود؟ و چه مسیرهای ساده و سختی را پشت سر می‌نهد؟ نقش عالمان دینی و دانشگاهیان در آن چیست؟ و ده‌ها سؤال دیگر، نیازمند تأملات دیگری است. اکنون مهم آن است که ایشان آینده مسیر انقلاب اسلامی را روشن و طرح بزرگی در انداخته‌اند. تأمل در زوایای تئوریک و دینی آن بخشی از رسالت روحانیت است که باید فرصت را غنیمت شمرده و نرم‌افزارهای این ایده بزرگ را تولید کند.

پی‌نوشت:

* دانشیار پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱. بخشی از متن بیانیه دوم

۲. همان.

۳. صحیفه امام خمینی، ج ۴، ص ۱۶۰.

۴. همان.

۵. بیانات معظم رهبری در دیدار با جمع اساتید،

فضلا و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹/۷/۱۴.

۶. همو، ۱۳۹۳/۳/۶.

۷. بیانات معظم رهبری در دیداری بانخبگان

دانشگاهی ۲۳ شهریور ۱۳۹۲.

۸. بیانات معظم رهبری در دیدار مردم استان

سمنان ۱۳۸۵/۷/۷.

۹. بیانات معظم رهبری در دیدار جمعی از برگزیدگان

المپیادهای جهانی و کشوری، ۱۳۸۱/۷/۳.

۱۰. بیانات معظم رهبری در دیدار مردم ۱۳۷۰/۱۱/۱۲.

۱۱. همان.

۱۲. پیام مقام معظم رهبری به مناسب حلول

سال ۱۳۷۳.

۱۳. بیانات معظم رهبری در دیدار دانش آموزان و

دانشجویان ۱۳۷۳/۸/۱۱.